



نکاتی چند درباره ترکیب و اشتقاق

در زبان عامیانه مردم تهران

(۲)

اشتقاق در زبان عامیانه تهرانی

در زبان عامیانه ساختمانهای تازه‌ای هم برای اشتقاق هست که در زبان رسمی نیست مگر از راه قرض از زبان عامیانه. مراد آنست که در زبان عامیانه پسوندها و پیشوندهائی هستند که کلمه مشتق می‌سازند از آن جمله‌اند:

اشتقاق با پسوند در زبان عامیانه

و - پسوند «و» برای مبالغه در صفت بدبکار می‌رود. این پسوند نیمه‌تعالی است. مثال ترسو، ریشو، شپشو.

اکی - پسوند مرکب اکی که از «اك» وی مصدری ساخته می‌شود این پسوند مختص ساختن قید و صفت است مانند: زورکی (کار زورکی) سیخکی، الله‌بختکی، کجکی، دزدکی، یواشکی.

این پسوند گاهی به کلمات مرکب افزوده می‌شود: پس‌پسکی، عقب عقب‌پسکی، الله‌بختکی

* آقای دکتر خسرو فرشیدورد استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از صاحب‌نظران و شاعران نامدار معاصر.

ی مصدری بکار رفتن «ی» مصدری برای ساختن اسم آلت یا اسمهای دیگر با کلمات مرکب مانند ترشی خوری ، آجیل خوری .

« ی » صفت ساز (ی نسبت) در زبان عامیانه دارای این ویژگیهاست :

۱ - این «ی» در این گونه از زبان گاهی جنبه صفت سازی خود را از دست میدهد و به گروه یا کلمه مرکب می چسبد و آن را به صورت اسم نگه میدارد مانند : جامیگاری ، چوب لباسی ، چوب دستی ، روسری ، توسی ، بیخ گوشی ، پس گردنی ، سرپائی ، کدخدای حسینی ، زیر پیراهنی ، زیر دریائی

۲ - در زبان عامیانه یارسمی به آخر گروهها می چسبد و صفت مرکب میسازد مانند : هر روزی ، هر جائی ، یک منی ، دودستی ، یک کیلوئی ، سه خرواری ، کوچه باغی ، حسینقلی خانی .

۳- «ی» صفات ساز بندرت مسانندی مصدری در کلماتی که با «ه» غیر مملووظ ختم میشوند بدل به «گی» میشود مثال : هفتگی ، همیشگی ، خانگی ، ساختگی ، خانوادگی

۴ - بر اسم آلت دلالت می نماید : گوشی .

۵ - «ی» صفت ساز به آخر صفت عددی ترتیبی درمی آید و آنرا تقویت میکند و اسم ترتیب یا صفت عددی ترتیبی مؤکد میسازد مانند : اولی ، سومی ، چهارمی که بیشتر در زبان عامیانه بکار میروند. این کلمات در اصل صفتند اما بیشتر بصورت صفت بجای موصوف بکار میروند و جنبه ضمیری و اسمی پیدامی کنند . مثال برای وقتی که صفتند : نفر دومی ، نفر اولی . در این صورت «ی» معادل «ین» است در زبان رسمی یعنی سومی = سومین ، اولی = نخستین .

کار «ی» صفت ساز در این مورد تقویت نقش وصفی صفت عددی ترتیبی است .
بعبارت دیگر دومین و دومی اگر صفت باشند تأکیدشان از دوم بیشتر است .

(ی نسبت در موارد دیگر نیز برای تقویت صفات اسم شده یا ضعیف شده بکار میروند مانند : مصنوع : مصنوعی و قدیم : قدیمی.) گاهی این «ی» فقط کارش تأکید صفتهاست بدون آنکه آنها ضعیف یا یه اسم بدل شده باشند مانند رایگانی و پنهانی .
مثال برای هنگامی که اولی و دومی نقش اسمی و ضمیری دارند (صفت بجای موصوفند)
اولی آمد و دومی رفت .

ی نسبت گاهی برای ساختن اسم یا صفت از کلمات مرکب یا گروهها بکار می رود که بعضی از نمونه های آن را برای اسم دیدیم اینک نمونه هائی برای اسم و صفات بای نسبت (ی صفت ساز) : سرپائی ، سرراخی ، دودستی ، یک دستی ، سرسری ، اردنگی

«تشخیص «ی» مصدری و نسبت در این موارد گاهی دشواره میشود مانند آخر سری و آخر کاری .

ی مصدری و نسبت در موارد بالا گاهی به آخر مجموعه عائی می آیند که معنی ندارند مانند سر سر ، الله بخت .

اك - یکی از خصوصیات زبان عامیانه تنوع کاربرد پسوند «اك» است. این پسوند در این گونه از زبان در این موارد استعمال میشود :

۱ - به آخر قیدهای جفتی می چسبند و بآنها معنی تأکیدی یا نظرافت می دهد مانند :
خوش خوشك ، نم نمك .

۲ - به آخر ماده مضارع و یا کلمات دیگر در می آید و اسم آلت میسازد مانند : عترتك ، غلتك ، روروك ، بادكنك ، بادبادك ، آب دزدك ، بالشتك ، نی لبك ، سوت سوتك .

۳ - برای افاده تشبیه و تصغیر و ساختن اسم آلت به آخر کلمات می چسبند مانند :
پستانك ، چنگك ، عروسك ، آدمك ، غوزك ، صورتك ، موشك ، آتشك ، ستملك ، پنهك ، بالشتك .

۴ - گاهی «اك» ترحم با «ی» نسبت که خود گاهی معنی ترحم می دهد جمع میشود و معنی ترحم در کلمه تقویت میشود مانند : حیونکی و طفلکی .

ی نکره - ی نکره که پسوندیست صرفی در زبان عامیانه گاهی جنبه اشتقاقی دارد و برای تأکید به آخر قیود و صفات می چسبند و قید مؤکد میسازد مانند : زودی ، تند ی ، زودتری ، کمتر کی .

اشتهاق با پیشوند

از پیشوندهای اشتقاقی که در زبان عامیانه تهرانی کلمه مشتق می سازند اینها را مامورد بحث قرار می دهیم :

«نه» ، «مه» ، «به» و بقیه پیشوندها از قبیل ناوهم اختصاصی بد زبان عامیانه ندارند .
نه - اگر با فعل بیاید پیشوند صرفیست مانند : نرفتم ، نمی روم و اگر با مصدر و اسم مفعول و صفت لیاقت بیاید پیشوند اشتقاقیست و در این صورت تعال هم هست مانند : نشنیده ، ندیدن ، نگفته . عمل «نه» ساختن کلمه منفی است اعم از فعل یا صفت یا مصدر .
در زمان رسمی گذشته و حال گاهی بجای «نه» «نا» آمده است مانند : ناشنیده ، نادیده ، نابرده .

«نه» وقتی پیشوند اشتقاقی باشد در زبان عامیانه این نقشها را نیز دارد :

۱ - باماده مضارع ترکیب میشود و صیغه مبالغه منفی میسازد مانند نفهم ، نجسب ، نخواه ، نجوش ، نخور ، ندار ، نشکن ، نسوز .

گاهی اینگونه صفات با جزء دیگری ترکیب می‌شوند و اسم فاعل منفی مرکب عامیانه بوجود می‌آورند مانند بدرد نخور ، زیر بار نرو ، گوش نکن ، خدانشناس ، خدانیا مرز .
۲ «نه» و «به» گاهی با افعال عطفی می‌آیند و صفت مرکب می‌سازند مانند : بخور و نمیر .

۳ - «نه» گاهی با اسم مفعول کوتاه ترکیب میشود و صفت مفعولی منفی می‌سازد مانند «ندید» .

۴ - گاهی نیز با اسم مصدر کوتاه ترکیب میشود و مصدر کوتاه منفی می‌سازد مانند : نخورد .

م - در زبان عامیانه و رسمی باریشه امری فعل صفت می‌سازند مانند مگو (اسرار مگو) .
در زبان رسمی اینگونه صفات با کلمات دیگر نیز ترکیب میشوند و صفت مرکب می‌سازند مانند : کس مدان و هیچ مدان ، کس مخوان و کس مپرس .

جامی کشیده داد زمان راکه راز عشق سر یست کس مگو و حدیثی است کس مخوان
(جامی)

ممکنست بعضی از صفات و اسمهای راکه با «به» و «نه» و «م» فعل ساخته میشوند از متوله تغییر طبقه دستوری بدانیم یعنی از مقوله افعالی بشماریم که تبدیل به اسم یا صفت شده‌اند . در این صورت این پیشوندها رانمی‌توان اتفاقی شمرد از این قبیلند بگیر و ببند . ولی در بیشتر مواردی که دیدیم این پیشوندها اشتقاقی‌اند .

۱ «به» این پیشوند برای ساختن کلمات مشتق عامیانه این ویژگیها را دارد :

۱ - باماده مضارع ترکیب میشود و صیغه مبالغه می‌سازد مانند : ببر و بدو .

در این موارد گاهی اسمی نیز افزوده میشود که مجموعه کلمات بصورت صیغه مبالغه مرکب است مانند : بدهکار و بستانکار ،

در این موارد گاهی دو عنصر با هم ترکیب میشوند و صفت مرکب مضاعف بوجود می‌آورند . مانند «بساز و بفروش» و «بریز و بپاش» .

۲ - «به» در زبان عامیانه گاهی باماده مضارع ترکیب میشود و نیمه‌واژه می‌سازد و خود ترکیبهای تازه بوجود می‌آورد . این عنصر با اسم ترکیب میشود و صفت فاعلی مرکب تشکیل میدهد مانند : دلخواه ، آتش بیار ، تودل برو ، بز بیار بجای دلخواه و غیره .

۳ - باماده مضارع ترکیب میشود و اسم مرکب می‌سازد مانند : بگیر بگیر ، بگیر و ببند ، بز بزن و بکوب .

چنانکه دیدیم اینگونه ترکیبات گاهی صفت مرکبند مانند : بساز و بفروش و بریز و بپاش .

یادآوری - «به» در عینیک از این موارد فعال نیست و در این حالات پیشوند اشتقاقیست

نه صرفی .

شبه پیشوند عامیانه

مابه کلماتی که بطور فراوان در جلو کلمات دیگر قرار می گیرند و کلمه مرکب می سازند شبه پیشوند می گوئیم از این قبیلند خوش ، بد ، گاو ، مورد در کلماتی از قبیل خوشحال ، بدبخت ، گاو صندوق ، مورد احترام .

بسیاری از شبه پیشوندهای زبان رسمی در زبان عامیانه هم بکار می روند مانند خوش و بد ولی در زبان عامیانه شبه پیشوندی پیدا شده است که در زبان رسمی مورد استعمالی ندارد و آن عبارتست از «باب» در کلمات مرکبی مانند باب طبع ، باب دندان ، باب روز ، باب کیف. کلماتی که باین شبه پیشوند ساخته میشوند غالباً صفتند بنا بر این «باب» شبه پیشوند صفت ساز است .

شهریورماه ۱۳۵۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

رسیدند از قضا بر چشمه ساری
یکی پر خورد کاین جان سی فزاید
زمحرومی وسیری هر دوسردند

دوزیرک خوانده ام کاندردیاری
یکی کم خورد کاین جان میگزاید
چو بر حد عدالت ره نبردند

نظامی گنجوی - قرن ششم